

نواندیشی و روشنفکری

در ایران



باقر مؤمنی



هرکس بگوید در حکمت سوال نیست گمراه است. آنچه قابل سوال نباشد حکمت نباشد. باید اعمال حکیم را کاوش نمود و اسرار او را پیدا کرد و حالی شد و گرنه تعبّد و تقلید کورانه انسان را در تاریکی جهل و عصبیت گمراه می‌کند. [در اعصار آینده] روی کره زمین و ملل عالم یک فدراسیون کبیری به عنوان جمهوریت سرخ تشکیل می‌کند و هزاروپانصد کرور سکنه دنیا بمثابة یک اهل بیتی می‌شود و اعضای یکدیگر گردد.

عبدالرحیم طالبوف

خدائی مردم را نیافریده بلکه این مردم خدائی را آفریده‌اند، یعنی خیالی تراشیده‌اند. خدا چیست و کیست و کجاست؟ اگر جسم و ماده بود مرئی بود و اگر جوهر و عاقل بود روا نمی‌داشت که بدبختان در روی زمین باشند.

میرزا آقاخان کرمانی

ایران مملو از نعمات خدا داد است. چیزی که همه این نعمات را باطل گذاشته نبودن قانون است. هیچکس در ایران مالک هیچ چیز نیست زیرا که قانون نیست. حکمرانی بی‌قانون روزگار همه ما را تباه کرده [چاره همه خرابی‌ها و کاستی‌ها] منحصر است به این دو کلمه: قانون و قانون.

میرزا ملکم خان

اختیار و قبول ملت اساس همه تدابیر حکومت است و این کلمه از جوامع الکلم است و در نزد صاحبان عقول مرتبه صحتش را حاجت تعریف نیست.

میرزا یوسف مستشارالدوله

علاج کار در نصیحت کردن و وعظ گفتن و مصلحت نمودن نیست. باید این اساس ظاهر بالکلیه از بیخ و بن برکنده شود؛ یعنی ملت باید خودش صاحب بصیرت و صاحب علم شود و وسایل اتفاق و یکدلی را کسب کند. بعد از آن به حاکم رجوع کرده بگوید از بساط سلطنت و حکومت گمشوا! بعد از آن خودش مطابق اوضاع زمانه قانون وضع نماید و کنستتسیون بنویسد و برآن عمل کند.

میرزا فتحعلی آخوندزاده